

دانشگاه فنی و حرفه ای دختران ارومیه

درس هنر و تمدن اسلامی

استاد: حبیبه یوسفی

1398 _ 99

جلسه سوم

عباسیان (۱۳۲ - ۶۵۶) ه.ق

(۱۲۷۸ - ۷۵۴) م

در سال ۱۳۲ ه.ق ایرانیان چون دل خوشی از بنی امیه نداشتند به همت ابومسلم خراسانی سردار رشید ایران، به یاری بنی عباس که از اولاد عباس بن عبدالمطلب، عموی پیغمبر (ص) بودند برخاستند. در نتیجه ی این همراهی و کمک، عباسیان بر بنی امیه پیروز گردیدند و مرکز خلافت از شام (سوریه) به بغداد منتقل گردید. نزدیک شدن دارالخلافت به تیسفون، پایتخت ساسانیان، موجب گردید که نفوذ عناصر ایرانی نسبت به عناصر عربی یا رومی (بیزانسی) در فرهنگ و هنر اسلامی پیشی بگیرد. پیوند جدید باعث شد که روش و سنتهای هنر قدیم ساسانیان در هنر و تمدن اسلامی رواج پیدا کند. کاخها و بناهای مذهبی در دوره ی عباسیان بیشتر متأثر از این روش می باشند. در واقع خلافت، تحت سلطه ی ایرانیان درآمد (اگر چه نفوذ تدریجی ترکها را نیز نباید از نظر دور داشت) و آداب و رسوم و طرز رفتار ایرانیان مورد تقلید قرار گرفت و دربار عباسی شکل ایرانی داشت. خصوصاً هارون الرشید که شکوه و جلال دربار وی ضرب المثل بود.

در اصل با تجاوز اعراب به درون ایران ارتباط بین دو سرزمین آسان گردید و عباسیان، حلقه ی واسط بین تمدن ساسانی و فرهنگ اسلامی را تشکیل دادند. در زمان هارون الرشید و فرزندش "مامون"، حکومت عباسی به آخرین درجه ی ترقی و تمدن رسید و کتابهای دانشمندان یونانی و رومی به تشویق خلفای عباسی به عربی ترجمه شدند و به ویژه کتابهای فلسفه و ریاضیات به موازات آن، دانشمندان و ادبای آنروز از هر سو و هر ملیت و مذهبی رو به بغداد نهاده بودند و شهر مزبور، مرکز دانشمندان نامی یونانی، ایرانی و قبطی گردید و می توان گفت که بغداد از قرن دوم تا هفتم هجری همچون بوتله ی ریخته گری تمام فرهنگهای جهان باستان را در هم آمیخت.

برخی از خلفای عباسی، وزیران و مشاورین خود را از میان خانواده های با فرهنگ ایرانی انتخاب می کردند از جمله خاندان برمکی که در دربار هارون الرشید عهده دار مشاغل مهم مملکتی بودند.

در زمان عباسیان برخی از بازیهای رایج ایرانیان نظیر چوگان و شطرنج و تخته نرد مورد توجه قرار گرفت. در زمینه ی فکری، حکایاتی نظیر "کلیله و دمنه" و "هزار افسانه" ایرانی به زبان عربی برگردانده شد.

"مسعودی" مورخ عرب می نویسد که کتاب هزار افسانه در میان عرب به «هزار و یک شب» معروفست.

این کتاب حاوی اسامی ایرانی نظیر شهرزاد و دنیازاد و شهریار میباشد. احتمالاً این کتاب در قرن دوم هجری به عربی ترجمه شده و در قرن سوم حکایاتی عربی بر آن افزوده شده است. حکایات این کتاب برخی ریشه ی ایرانی، برخی ریشه هندی و دسته ای به داستانهای دریایی موسومند و بالاخره داستانهایی که به بغداد مربوط اند و مرکب از داستانهایی است که جنبه ی واقعی آنها بر خصوصیات تخیلی غلبه دارد که در آنها هارون الرشید و شهر بغداد را در طی روز و شب می توان ملاحظه کرد. علاء الدین و علی بابا و سندباد بحری از جمله قهرمانان هزار و یک شب هستند. در سالهای اخیر، این افسانه ها به زبان های مختلف دنیا ترجمه شده است.

علوم مختلف از جمله ریاضیات، در عهد عباسیان پیشرفتهای قابل ملاحظه ای نمود. پایه گذار مکتب ریاضی بغداد "محمد بن موسی خوارزمی" (۲۳۶ - ۱۶۴ هـ. ق) بود که به واسطه ی زادگاه خود خوارزم، در شرق دریای خزر به خوارزمی معروف شده است. وی در دربار مأمون، خلیفه ی عباسی فعالیت می کرد و یکی از رهبران علم نجوم در بغداد بود. خوارزمی در ریاضیات امروزی جهان سهم بزرگی دارد و رساله های گرانبهایی نوشت. وی قدیمیترین جدولهای محاسبه مثلثات را نوشت و با همکاری ۶۹ تن از دیگر علماء، یک فرهنگ جغرافیایی برای مأمون فراهم کرد. در کتاب معروف خود به نام "الجبر والمقابله" راه حل های هندسی برای معادلات درجه دوم نشان داد. ترجمه این اثر قرنها در دانشگاههای مغرب زمین تدریس می شد.

یکی از صنایعی که در گسترش فرهنگ اسلامی تأثیر قابل ملاحظه گذاشت، طرز ساختن کاغذ بود که به تدریج جای پوست را گرفت. نخستین کارگاه کاغذسازی در قلمرو اسلام، در بغداد و به همت "فیصل بن یحیی برمکی" وزیر هارون الرشید دایر گردید و آنگاه مسلمین این صنعت را به سیسیل و اسپانیا بردند و از آنجا به ایتالیا و فرانسه راه گشود. این صنعت به هر جا که رسید، تالیف کتاب را آسان کرد. در واقع ملتی که کاغذسازی را در

بین ملل اسلامی و اروپا رواج دادند ایرانیان بودند که طرز ساختن کاغذ را، پیشتر، از چینیان که مبتکر و مخترع آن بودند، آموخته بودند.

آورده اند که منصور خلیفه عباسی، وقتی بنای شهر بغداد را بنیان نهاد از "نوبخت" منجم ایرانی کمک خواست. نقشه‌ی این شهر دایره‌ی کامل بود که به وسیله‌ی یک دیوار اصلی با برجهای تقویت کننده‌ی مدور و یک خندق احاطه شده بود. در این شهر چهار دروازه وجود داشت به نامهای دروازه‌ی کوفه، بصره، خراسان و دمشق. در قسمت مرکزی شهر کاخ خلفا و مسجد جامع بر پا بوده است. از این زمان است که در تمدن اسلامی، آجر و آجرکاری آغاز می‌گردد و رو به توسعه می‌نهد.

به طور کلی از دمشق میتوان به عنوان پنجره‌ای که بر غرب باز می‌شد و از بغداد می‌توان به عنوان دریچه‌ای که بر شرق گشوده می‌شود نام برد. اگر چه اصلی‌ترین مرکز خلافت عباسیان بغداد است ولی خلیفه‌ی عباسی "المعتصم"، در اثر اختلافات داخل و سرپیچی ترکها، بغداد را در سال ۲۱۴ هـ.ق ترک نموده و پایتخت جدیدی در «سامرا» بالاتر از رودخانه‌ی دجله بنیاد نهاد. در محل سامرا، شهری بنا گردید که از آمیختن سنتهای گوناگون نشان داشت.

اشیاء یافت شده از سامرا نشانگر شهری باشکوه و ثروتمند است که هنرهای متعدد در آن رو به توسعه بوده است. سامرا حدود ۵۰ سال پایتخت بود ولی بار دیگر، پایتخت به بغداد بازگشت. در سال ۲۶۱ هـ.ق (۸۸۳ میلادی) جمعیت سامرا در عهد عباسیان به صدها هزار نفر می‌رسیده است.

معماری: از مهمترین آثار معماری دوره‌ی عباسیان، می‌توان به "مسجد جامع سامرا" یا "مسجد متوکل" اشاره کرد. مسجد جامع سامرا یکی از برجسته‌ترین بناهای شناخته شده در تمام تاریخ هنری اسلام است. طول و عرض این بنا ۱۷۰ × ۲۶۰ متر است، که یکی از بزرگترین مساجد دنیا به شمار می‌رود. دیوار خارجی از آجر قرمز روشن ساخته شده که در حدود ۳ متر قطر دارد و از آن زمان تاکنون در برابر حوادث مقاومت کرده است. نمازخانه دارای ۴۶۴ ستون بوده که تنها پایه‌های آن‌ها باقی مانده است. به فاصله‌ی ۳۰ متر از مسجد، مناره‌ای حلزون مانند به ارتفاع ۵۵ متر وجود دارد که نوع معماری آن متأثر از زیگوراتهای قبل از اسلام در بین النهرین است. این مسجد در ۲۲۵ هـ.ق (۸۴۷ م)

ساخته شده. احتمالاً دیوارها در نمای بیرونی با موزائیک آرایش یافته بوده اند که امروزه چیز قابل ملاحظه ای از آن بدست نیامده است.



نمایی از مسجد جامع " سامرا "

کمی پس از آنکه خلیفه متوکل ساختمان مسجد جامع را به پایان رسانید، تصمیم گرفت شهر جدیدی در شمال آن بنا کند که آن را «جعفریه» نامیدند و در آن شهر مسجدی به نام «ابودلف» بنا کردند. این مسجد در سال ۲۳۸ هـ. ق (۸۶۰ م) ساخته شد. مسجد بر مبنای همان نقشه ی مسجد سامرا با مناره ای شبیه به آن و با شیب مارپیچی بنا شد که اندکی کوچکتر از آن است. امروزه هر دو مسجد مذکور به شکل ویرانه ای در آمده اند.

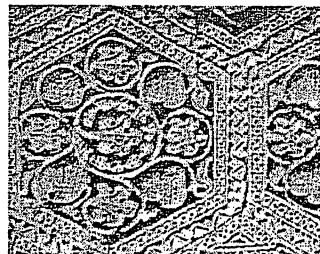
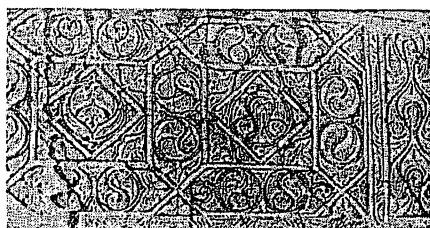
خلفای عباسی علاوه بر مساجد معظم، کاخهای فراوانی نیز ساخته اند که خرابه های برخی از آنها در اطراف بغداد و یا سامرا (در عراق امروز) بر جای مانده است.

در ۱۸۰ کیلومتری جنوب بغداد و در میان صحرا و نزدیکی کربلا، هنوز خرابه های کاخ " اخضر" (به معنی سبز) به چشم می خورد این کاخ از لحاظ نوع معماری مشابه دژهای نظامی ساخته شده است. این قصر را عیسی ابن موسی، حاکم کوفه ساخته است. اتاقهای کاخ اخضر با طاقهای ضربی پوشیده شده و در انتهای غربی آن تالاری طاقدار، وجود دارد. طاقها و طاق نماها همه بیضی شکل هستند. ساسانیان قوس بیضی را فراوان به کار می بردند و مجموع کاخ خصوصیت ساسانی داشت. در واقع تا زمانی که به طور یقین

معلوم نشده بود که یکی از اطاقهای همکف ساختمان مسجد بوده است، این بنا را از دوران ساسانی می دانستند. تحقیقات دقیقتر نشان داد که آن را در سال ۱۶۰ هـ.ق (۷۷۸ م) ساخته اند. از تزئینات داخلی کاخ اخضر، اطلاع دقیقی در دست نیست زیرا آثاری از گچبری یا نقاشی برجای مانده است.

از دیگر کاخهای عباسیان که توسط خلیفه «معتصم» در سامرا ساخته شد «جوسق الخاقانی» (کوشک خاقانی) به سال ۲۲۵ هـ.ق (۸۴۱ م) است. گچبریهای فراوان و نیز نقاشیهای دیواری یافت شده از خرابه های این کاخ، بنای مذکور را در ردیف مهمترین آبنیهای برجای مانده از عهد عباسیان قرار می دهد.

گچبریها، که نه تنها در این کاخ بلکه در دیگر بناها نیز، سالمتر از نقاشی های برجای مانده اند، نشانگر خلاقیت هنرمندان آن عصر است. نقوش گچبری غالباً از زمین تا سقف را می پوشانده است.

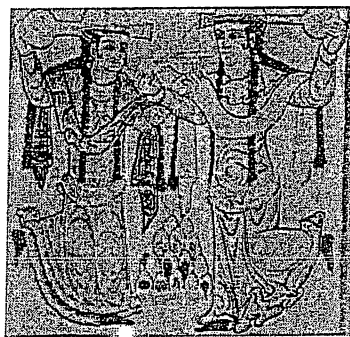


نمونه ای از گچبری های "جوسق الخاقانی"

نقاشی

الف) نقاشی دیواری: مهمترین نمونه های نقاشی دیواری برجای مانده از دوره ی عباسیان را می توان در جوسق الخاقانی سامرا مشاهده کرد که قدیمی ترین نمونه ها نیز هست. نقوش جوسق الخاقانی بسیار متنوع است. نقش انسان و انواع حیوان و پرندگان و نمونه های گوناگون گیاهی و طرح های تزئینی متعدد به فراوانی در نقاشی های دیواری این قصر نشان داده شده است. این نقاشی ها به همان طریقه ی سنتی هنری ساسانی است؛

یعنی بر بنیاد رنگ های تخت (بدون سایه روشن)، که به وسیله قلم گیری در آن ها ایجاد تحرک شده و بدانها زینت بخشیده اند. در یکی از دیوارها، در مجلس رقصی، پیکر دو بانو که به صورت قرینه سازی در برابر هم ترسیم شده اند، مشاهده می شود. هر یک از آنان یکی از پاهای خود را بالا برده و متقابلاً همانند ساقیان، با صراحی خود، جام دیگری را پر می نماید. در این تصویر رنگ های آبی و نخودی و سیاه و بنفش و سرخابی به صورت تخت به کار رفته است و شیوه ی نقاشی، دویعدی است. اطراف اندام ها، با خطوط سیاه، قلم گیری شده است. همه ی عوامل این نقاشی، از جمله طریقه ی نشان دادن چین های لباس و نمایش گیسوان بافته رقااصه ها و سر بند موج آنان، همگی سنتهای هنری دوران ساسانیان را به خاطر می آورد.



نمونه ای از نقاشی های "جوسق الخاقانی"

با توجه به آنچه گذشت و علاقه مندی فراوان خلفای عباسی به تقلید از دستگاه سلطنت عصر ساسانیان، بعید نیست که این حکمرانان از نقاشان و هنرمندان ایرانی در تزئینات و پرداختن قصرهای خود استفاده کرده باشد.

ب- کتاب آرایسی: با روی کار آمدن عباسیان و حمایت ایرانیان، در بغداد نخستین مدرسه ی نگارگری و تصویرگری کتاب، توسط خلفای عباسی ایجاد گردید. اگرچه این مکتب از آغاز کار عباسیان تا مرگ «مستعصم» آخرین خلیفه ی عباسی به دست مغول ها استمرار داشت ولی اغلب کتب بر جای مانده، از قرن پنجم و ششم هجری (۱۱ و ۱۲ میلادی) است که البته آنها نیز مثنی هایی از نسخه های اصلی پیش از این زمان است.

به تشویق برخی خلفای فرهنگ دوست عباسی و جهت غنای تمدن نویای اسلامی، ترجمه کتب پهلوی و یونانی و سانسکریت به عربی، از همین دوران رونق گرفت و با استتساخ این کتب، زیبا ساختن و نقاشی تصاویر کم کم معمول گردید. در همین ایام کتب بزرگانی چون بقراط، سقراط، اقلیدس، دیسقوریدوس، جالینوس و بسیاری از دانشمندان دیگر به عربی ترجمه شد. این کتب علمی برای تفهیم مطالب به تصویر نیاز داشتند و از این رو تصاویر نسخه های زبان اصلی عینا و یا با تغییراتی اقتباس گردید. بدین منوال نسخه های مصور نخستین، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، تحت تاثیر هنر بیزانس بودند. در آنها اصول طبیعت پردازی (برجسته نمایی و سایه کاری) تا حدی رعایت می گردید. با این حال نقاشان، پیکره ها را از حالت سه بعدی خارج کرده و روش خطی و تزئینی را به کار می بردند. ادامه ی این شیوه ی کار، تدریجا ویژگی های مصورسازی نسخ عربی را پدید آورد که کتاب «مقامات حریری» اثر "الواسطی"، نمونه ی بارز آن است.

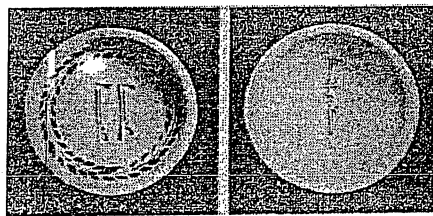
آثار واسطی، نقطه ی اوج نخستین مکتب در هنر مصور سازی مسلمانان بود. از آنجایی که مصوران عرب و ایرانی و سُرّیانی در شکل گیری این مکتب سهم داشتند، آن را «مکتب بین المللی عباسی» گویند. البته چون مرکز اصلی تهیه نسخ خطی شهر بغداد بود آن را مکتب «بغداد» هم می گویند. گرچه تحقیقات اخیر نشان می دهد که شهرهایی همچون موصل، بصره، کوفه و حتی دیاربکر و حلب (در سوریه) نیز در تولید کتب مصور فعالیت‌هایی داشته اند.

از کتب مشهور مصور شده در مکتب بین المللی عباسی میتوان به نمونه های زیر اشاره کرد: طب جالینوسی، مقامات حریری (چند نسخه)، الآغانی (در شش جلد)، رساله پزشکی دیسقوریدوس، افسانه بیدپای (کلیله و دمنه).



برگ هایی از کتاب التریاق - مکتب بغداد

سفالگری: در قرن سوم هجری که سامرا مرکز فرمانروایی خلفای عباسی بود، این شهر در هنر سفالگری شهرتی جهانی بدست آورد. ظروف چینی که بعنوان هدایا از کشور چین و از مسیر ایران، به دربار عباسیان می رسید، باعث برانگیختن حس رقابت سفالگران مسلمان شد. سفالگران اسلامی، آنقدرها، به فرم تزئینات این ظروف علاقه ای نداشتند؛ بلکه بیشتر شیفته ی مرغوبیت و نوع جنس سفالها و چینی شدند و برای بدست آوردن مواد اولیه ی مرغوب، کوشش بیشتری بکار بردند؛ ولی نداشتن نوع مناسب گل؛ مانع از ساختن چینی توسط مسلمانان شد و چون سفالگر نتوانست نوع خاک مخصوص چینی را در سرزمین خود بدست آورد، برای سفید جلوه کردن ظروف سفالی، مجبور شد تا آنها را با لعاب نازکی که نور می توانست از آن عبور کند، زینت دهد.



نمونه ای از سفال های به دست آمده از سامرا

تجربه ی مداوم سفالگران آنها را به کشف روش (لاستر) «رنگ طلایی» هدایت کرد. سفالهای اینگونه، دارای سطح فلز مانند به رنگهای مختلف زرد، طلایی و قهوه ای و بعضی وقتها متمایل به قرمز و سبزاند / طریقه ی عمل این طور است که با رنگ ترکیبی از آلیاژ نقره و مس، بر روی سفالی که یک مرتبه پخته شده نقاشی می کنند و بعد سفال را در کوره های دودکش دار، در حرارت پایین حرارت می دهند.

نمونه ی موفقیت آمیز این روش را که از سامرا آغاز شد، در اغلب نقاط جهان اسلام مانند سوریه، مصر، اسپانیا و ایران می توان یافت.

علاوه بر روش فوق، گونه ها و شیوه های هنرمندانه ی دیگری در ساخت انواع سفال و شیشه نیز به کار رفت؛ از جمله، ساختن سفالها و ظروف شیشه ای با نقش برجسته و یا منقوش به اندام انسانی یا حیوانی هم در این میان دیده می شود. همچنین استفاده از خط

به ویژه خط کوفی، در سفالهای یافت شده از سامرا و بغداد دیده می شود. علاوه بر رقابت با آثار چینی، از دیگر عوامل تحول و پیشرفت هنر سفالگری در عهد عباسیان و اساساً در دوره اسلامی، ممنوعیت دینی استفاده از فلزات گرانبه‌قیمت همچون طلا و نقره، جهت ساختن ظروف بوده است؛ لذا هنرمندان سعی نمودند که با سفال، آثاری خلق کنند که زیبایی و جلوه‌ی ظروف سیمین و زرین را داشته باشد و جای خالی آن را پر کند.